

فرهنگ دعا و سیره حضرت زهرا علیها السلام

روح‌الله عباسی*

اشاره

دین‌پژوهان بر این عقیده‌اند که تاریخ و پیشینه دعا را می‌توان با پیدایش انسان قرین دانست؛ زیرا انسان هرگز از نیازمندی‌ها جدا نبوده است و درون خود این را احساس می‌کرد که باید در پناه قدرتی آرام بگیرد. بنابراین، هرگز تاریخ بشر از توجه به مبدأ عالم تهی نبوده است؛ حتی در دورترین زمان‌ها، جزء واقعیت‌های غیر قابل انفکاک بشر بوده است؛ آن زمان که بشر توان تصور یک مبدأ نامتناهی و قدرت مطلق را نداشته و به اشتباه به بت‌ها پناه می‌برده است.^۱

با توجه به این مقدمه، پرواضح است که نیایش (دعا)، از ابتدا مورد توجه بوده است و جزء برنامه‌های اصلی تمام آیین‌ها برای پیروان‌شان بوده است و در حوزه درون‌دینی و برون‌دینی، مورد پژوهش بوده است که اغلب، رویکرد پژوهشی در این موضوع، پژوهش‌های درون یک دین خاص مانند اسلام و مسیحیت بوده است. پیروان این آیین‌ها، هر کدام به تناسب حوزه مطالعاتی خود مانند: فلسفی، روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی به آن پرداخته‌اند و نیایش را از جنبه‌هایی چون: تأثیر آن بر انسان و رابطه او با خالق و آسیب‌های آن مورد بررسی قرار داده‌اند.

دعا در لغت و اصطلاح

«دعاء» در لغت به معنای «خواندن»^۲، درخواست انجام دادن کار^۳ گفته شده است که اصل آن «دعاو» بوده که به دلیل قرار گرفتن «واو» پس از «الف» بر اساس قواعد اعلال،

* پژوهشگر علوم دینی.

۱. شهود و شناخت (شرح صحیفه سجادیه)، مقدمه.

۲. کتاب العین، ج ۲، ص ۲۲۲؛ لسان‌العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۸.

۳. الفروق اللغویه، ص ۵۳۴.

تبدیل به همزه شده است.^۱ جوهری، آن را از ماده «دعوت» به معنای «فراخواندن به غذا» دانسته است.^۲ راغب، معتقد است «دعا» بسان «ندا» (آواز خواندن) است؛ با این تفاوت که ندا با الفاظی همچون «یاء» و «ایا» و نظیر آن‌ها ادا شده است و مخاطبی به آن ضمیمه نمی‌شود؛ در حالی که «دعاء» در جایی به کار می‌رود که نام مخاطب برده شود؛ هرچند ممکن است این دو واژه به جای یکدیگر نیز به کار روند.^۳

«دعا» را در اصطلاح دینی، به معنای روی آوردن به خداوند و درخواست از او با حالت خضوع دانسته‌اند. البته، گاه از باب مجاز به صرف تمجید و ستایش خداوند نیز «دعا» گفته شده است؛ چه انسان در کنار آن درخواست خود را یادآوری کند و چه نکند.^۴

دعا در قرآن و روایت

در نگاه قرآن کریم و روایات، خواندن خداوند (دعا) به دو جهت و عنوان به کار رفته است:

۱. خواندن برای طلب خواسته‌ای از خداوند؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم از انسان می‌خواهد، هنگامی که به او گزندی از حوادث روزگار می‌رسد، او را بخواند (دعا کند) تا خداوند آن گزند را از او دور کند.^۵ تصریح روایات نیز بر این نکته است؛ در آن‌جا که امیر مؤمنان علیه السلام در وصیتی، به فرزند خود یادآوری می‌کند که خداوند فرمان داده است از او بخواهی تا به تو عطا کند.^۶

۲. دعا به معنای عبادت. در برخی از مواضع در قرآن کریم و روایات، دعا به معنای خواندن برای طلب خواسته‌ای از خداوند به کار نرفته است؛ در آن‌جا که قرآن در توصیف مؤمنان، آن‌ها را انسان‌هایی می‌شمارد که از بیم او از خواب برمی‌خیزند و او را

۱. لسان‌العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۸.

۲. الصحاح، ج ۶، ص ۲۳۳۷.

۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۷۰.

۴. التحفة السنية، ص ۲۵.

۵. ر.ک: فصلت، آیه ۵۱.

۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۰۴، ح ۱.

با بیم و امید می‌خوانند.^۱ امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛ عبادت در این آیه را به دعا کردن تفسیر می‌کند.»^۲

علامه طباطبایی بر این عقیده‌اند که هیچ یک از معانی یادشده، جزء مفهوم دعا نیست؛ بلکه این معانی از لوازم مفهوم دعا هستند. از نظر ایشان، دعا یعنی توجیه و جلب توجه دعوت‌شونده به سوی دعوت‌کننده. اموری مانند سؤال و درخواست و یا قول و استعانت، از مقومات معنای دعا نیستند، بلکه یا از لوازم دعا هستند و یا از غایات دعا.^۳

مرحوم علامه با نقد سخن صاحب تفسیر «المنار» که دعا و عبادت را دو حقیقت متفاوت دانسته، سخن ایشان را رد کرده و تصریح می‌کنند که حقیقت دعا و عبادت یکی است.^۴

تشویق به دعا

سنت نبوی و اهل‌بیت، تشویق مؤمنان به دعا کردن به درگاه خداوند بوده است و در روایات متعددی از شیعیان خواسته شده است که در هر حاجتی به درگاه الهی دعا کنند و خواسته خود را- هرچند اندک و کوچک باشد- از خداوند بخواهند. رسول‌خدا صلی الله علیه و آله بند کفش و نمک را به عنوان دو نمونه از خواسته‌های کوچک از محضر خداوند اشاره کرده و از مسلمانان می‌خواهد همه حاجت‌های خود را، حتی اگر بند کفش و نمک باشد، از خداوند بخواهند.^۵ در روایتی از انسان خواسته شده است که به جهت ناچیز بودن خواسته‌اش، دست از دعا بردارد؛ زیرا حاجت‌های کوچک نیز به دست همان کسی است که حاجت‌های بزرگ به دست او است.^۶ امام صادق علیه السلام نتیجه فروبستن دهان از درخواست از خداوند را، عدم عطای خداوند به او می‌داند.^۷ به دلیل

۱. سجده، آیه ۱۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۶، ح ۱.

۳. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۱۷.

۴. همان.

۵. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۹۵، ح ۲۳.

۶. همان، ص ۳۰۳، ح ۳۹.

۷. کافی، ج ۲، ص ۴۶۶.

جایگاه مهم دعا و نیایش در زندگی انسان، حضرت زهرا علیها السلام در کلامی به شخصی توصیه می‌فرماید که دعای بسیار کند.^۱

ارتباط دعا با قضا و قدر الهی

یکی از شبهاتی که در خصوص دعا وجود دارد، این است که آیا با وجود قضا و قدر الهی، دعای انسان در بازگشت آن‌ها تأثیری دارد؟ پاسخ‌های مختلفی به این شبهات داده شده است و روایات فراوانی وجود دارد که دعا، قضای الهی را بازمی‌گرداند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام در روایتی به این نکته تصریح فرموده‌اند.^۲

امام کاظم علیه السلام در بیان صریح‌تر دیگری، از مؤمنان می‌خواهد که همیشه دعا کنند؛ زیرا دعا به درگاه خدا و مسألت کردن از او، بلایی را که قضا و قدر الهی به آن تعلق گرفته و فقط مانده که به اجرا درآید، دفع می‌کند.^۳

با نگاهی به کلام و سیره حضرت زهرا علیها السلام دو رویکرد را به این بحث می‌یابیم: اول آن‌که حضرت قائل به قضا و قدر الهی هستند و بر این عقیده‌اند که مقدرات تقدیر شده‌اند که از مصادیق آن، مرگ انسان است. آن حضرت، به این مطلب در خطبه معروف به «خطبه فدکیه» اشاره کرده و در بیاناتی با اشاره به رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و این‌که مرگ رسول‌خدا، بلیه‌ای بسیار بزرگ است که حادثه‌ای به ناگواری آن در هستی رخ نداده، مرگ را مقدرشده الهی برای همه انسان‌ها، از جمله انبیا دانسته‌اند؛^۴ از این رو، حضرت در نیایش‌های خود برای پس از تقدیرات الهی، طلب صبر و خشنودی می‌کنند.^۵

رویکرد دوم حضرت به قضا و قدر الهی که از دعاهای حضرت به دست می‌آید، این است که آن حضرت قائل به تغییر برخی از تقدیرات و قضای الهی با دعا بوده‌اند و دعا را مؤثر در آن می‌دانستند. شاهد بر این مدعا، تمام ادعیه‌ای است که از حضرت به

۱. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۹.

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۶۸، ح ۴.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۷۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۲۲۶.

۵. کافی، ج ۲، ص ۵۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۲۲۵.

ما رسیده که خود، گواه بزرگی است بر این نظر؛ زیرا اگر حضرت اعتقادی به تأثیرگذاری دعا در بازگشت تقدیرات و قضای الهی نداشتند، چرا این همه به درگاه خداوند دعا می‌کردند؟

اقسام دعا

اندیشمندان حوزه دین‌پژوهی، برای دعا به اعتبارهای مختلف، همچون: زمان دعا، مکان دعا، اجابت دعا و یا تأثیر دعا، تقسیمات متعددی بیان کرده‌اند؛ از جمله تقسیمات آن، با توجه به زمان دعا، تقسیم آن به دعای قبل از رسیدن خیر و شرّ و دعای بعد از رسیدن خیر و شرّ است. از جمله معتقدان به این تقسیم‌بندی، شهید مطهری در کتاب بیست گفتار است.^۱

دعا قبل از خیر و شرّ

یکی از جنبه‌های و زمان‌های دعا که در روایات به آن تأکید شده، دعا کردن هنگامی است که انسان می‌خواهد شرّی را از خود دفع و یا خیری را طلب کند؛ در این وقت، او از خداوند می‌خواهد که شرّی را که گریبانش را نگرفته، از او دفع کند و یا خیری که به او نرسیده، به او برساند. این جنبه از دعا، در آن مرتبه از اهمیت است که در روایات از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که حضرت، دعا را موجب عوض شدن تقدیر و نجات انسان دانسته‌اند.^۲ و امیر مؤمنان علیه السلام از شیعیان خود می‌خواهد که با دعا، امواج بلا را از خود دور کنند.^۳ امام صادق علیه السلام نیز از کسانی که نگران دچار شدن به بلا هستند، می‌خواهد که پیش از رسیدن آن دعا کنند.^۴

دعا بعد از خیر و شرّ

دومین گونه دعا، زمانی است که خیر یا شرّی به انسان رسیده است و انسان برای دفع آن شر دعا می‌کند؛ چرا که او (بلادیده) به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام در آن هنگام به

۱. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، ص ۳۴۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰، ح ۳۷.

۳. همان، ص ۳۰۱، ح ۳۷.

۴. طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۰، ح ۱۹۹۲.

دعا نیازمندتر از کسی است که بلایی به او نرسیده است.^۱ یا به جهت رسیدن آن خیر به او، برای دوام و شکر آن دعا می‌کند. از این رو، در روایات متعدد از انسان خواسته شده است که در هنگامه خوشی و نزول برکات، دعا کند.^۲

هر کدام از این دو نوع دعا، به اعتباری یا زبانی و یا قلبی (زبان فطرت = دعای حقیقی) است.^۳ علامه طباطبایی، درباره این دو نوع دعا معتقد است که دعای زبانی، یعنی دعایی که دعاکننده با زبان سر اظهار می‌کند؛ هرچند همراه با احساسات و سوز و گداز باشد؛ اما اگر در برگیرنده آن دعا، قلب دعاکننده نباشد و با زبان فطرت اظهار نشود، مورد اجابت قرار نمی‌گیرد و برعکس، سؤالی که با زبان فطرت اظهار شود، هرچند در صفحه ذهن دعاکننده هم نباشد و با زبان سر هم اظهار نشود، یعنی دعاءکننده نسبت به درخواستش توجه و آگاهی ظاهری هم نداشته باشد، باز مورد اجابت قرار می‌گیرد.^۴

شرایط اجابت دعا

پژوهشگران علوم دین، نگاه قرآن و روایات به دعا را فرآیندی دوسویه می‌دانند که در آن، بنده دعا می‌کند و خداوند اجابت می‌کند و آن را از آیات مختلفی مانند آیه:

«ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۵ برداشت می‌کنند.^۶

اما پرسشی که در این میان از سوی برخی اندیشمندان مطرح شده، این است که چرا در برخی مواقع دعا می‌کنیم، اما اجابت نمی‌شود. دو پاسخ با دو دیدگاه به این سؤال داده شده است. بازگشت علت به وجود آمدن چنین سؤالی و پاسخ‌ها و دیدگاه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، به تعریفی است که از حقیقت دعا در نزد صاحب‌نظران می‌شود که شامل دو دیدگاه و پاسخ کلی است:

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۰۱، ح ۳۷.

۲. همان، ج ۷۷، ص ۸۷، ح ۳.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱.

۴. همان.

۵. غافر، آیه ۶۰.

۶. مجموعه نیایش‌نامه، «معناشناسی دعا و اجابت در قرآن کریم»، ج ۶، ص ۴۸.

پاسخ اول که دیدگاه مشهور است و از سوی مفسران^۱ داده شده، شواهدی از آیات را ارائه می‌کنند که بیانگر این است که حکم این آیات، مطلق است و در آیات دیگر و نیز در سنت، قیودی برای آن مطرح شده است که اگر آن شرایط فراهم نشود، دعا مورد اجابت قرار نمی‌گیرد. برخی از پیروان این دیدگاه از متأخران، صاحب تفسیر «نمونه» از تفاسیر فارسی است.^۲

در دیدگاه دوم که رقیب نظریه اول است، «دعا» همان «عبادت» است. صاحبان این دیدگاه معتقدند که خداوند دعای بنده را می‌شنود و «اجابت» می‌کند و می‌پذیرد؛ اما این اجابت لازمه‌اش این نیست که خواسته او را برآورده کند. مانند این‌که پدری پاسخ فرزندش را می‌دهد؛ اما لزوماً خواسته او را برآورده نمی‌کند. بدین ترتیب، اجابت با وجود دعوت محقق می‌شود، نه با برآوردن خواسته داعی.^۳ از جمله پیروان این دیدگاه از متأخران، «محمود طالقانی» است.^۴

خلاصه دو دیدگاه، این است که به عقیده معتقدان به قول مشهور (اول)، طریقت دعا برای رسیدن به خواسته‌ها مورد نظر است؛ اما در قول دوم، دعا خود موضوعیت دارد.

شرایط متعددی از طرف معتقدان به قول مشهور (اول) مطرح شده است که به برخی از این دیدگاه‌ها اشاره می‌شود:

علامه طباطبایی بر این عقیده است که از نظر قرآن، شروط اجابت دعا در دو امر خلاصه می‌شود و سایر امور ذکر شده در روایات، از شروط حقیقی اجابت دعا نیست؛ بلکه این‌گونه امور یا از آداب دعا به شمار می‌روند یا از مقومات و موجبات تحقق یافتن آن دو شرط اساسی هستند.

ایشان درخواست حقیقی و واقعی را از جمله شرایط دعا دانسته و معتقدند که اگر کسی دعای غیرحقیقی، مانند درخواست محال از خداوند کند، دعایش مستجاب نمی‌شود. مانند این‌که کسی از خداوند بخواهد که مرده او زنده شود. وی، دومین شرط

۱. قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۰۹؛ اندلسی، ابوحیان، البحر المحیط، ج ۲، ص ۵۴.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۷ - ۶۳۸.

۳. الجامع الاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۰۹؛ البحر المحیط، ج ۲، ص ۵۴.

۴. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۷۱ - ۶۸.

اجابت دعا را درخواست از عمق جان دانسته و بر این دیدگاه است: کسی که به زبان از خدا درخواستی می‌کند، اما در دل همه امیدش به امور مادی است، دعای او اجابت نمی‌شود.^۱

شهید مطهری، شش شرط را برای دعا قائل است:

۱. درخواست واقعی؛ ۲. ایمان و اعتماد به اجابت؛ ۳. مخالف نبودن درخواست با سنن تکوین و تشریح؛ ۴. هماهنگی سایر شئون زندگی دعاکننده، مانند: روزی حلال، عدم ظلم به مردم و...؛ ۵. مورد دعا، نتیجه دعا نباشد؛ یعنی درخواستی که دارد، عقوبت عملکرد او نباشد که مستلزم توبه و بازگشت باشد؛ مثلاً، مردمی که امر به معروف را ترک کرده‌اند و در نتیجه ترک دعا مستوجب عقوبتی شده‌اند و حال از خداوند می‌خواهند که آن عقوبت را رفع کند، این دعا مستجاب نیست؛ بلکه باید توبه کنند و به امر به معروف بپردازند تا خداوند عقوبت آن را رفع نماید؛ ۶. دعا نباید جانشین فعالیت قرار بگیرد و واقعاً مظهر حاجت باشد.^۲

«عبدالرزاق گیلانی» صاحب «مصباح الشریعه» نیز معتقد است که انسان دعاکننده، باید سه شرط را برای اجابت دعا مورد نظر قرار دهد: اول این که باید عظمت و بزرگواری خدا را به یاد آورد و اعتقاد داشته باشد که خداوند، قادر به اجابت دعای او است. دوم این که آنچه را باعث نابودی و هلاکت او است، از خداوند طلب نکند و سوم این که آنچه می‌طلبد، مشروع باشد.^۳

در مجامع روایی نیز، مواردی به عنوان شرایط دعا بیان شده است که عبارت‌اند از:

۱. **شناخت خداوند:** چنان که امام کاظم علیه السلام در پاسخ سؤال‌کننده‌ای درباره عدم اجابت دعایش، عدم شناخت خدا را علت آن بیان کرده‌اند.^۴

۲. **اخلاص:** رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی اخلاص را از شرایط دعا برشمرده و از مؤمنان خواسته‌اند که در هنگام دعا اخلاص داشته باشند.^۵ حضرت زهرا علیها السلام نیز،

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۳.

۲. بیست گفتار، ص ۳۵۱ - ۳۴۱.

۳. مصباح الشریعه، ج ۱، ص ۱۲۴.

۴. شیخ صدوق، توحید، ص ۲۸۸، ح ۷.

۵. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاحادیث، ص ۷۶.

اخلاص در عمل و عبادت را که دعا در دل آن است، موجب باز شدن درهای رحمت الهی به سوی انسان و قرار دادن مصلحت‌های خوب برای او به جهت عمل خالصانه دانسته‌اند.^۱

۳. عمل به وظایف: چنان‌که خداوند در حدیثی وعده داده است که اگر بنده‌ای به وظیفه‌اش عمل کند، او دعایش را اجابت کند.^۲ تبلور عینی و حقیقی اطاعت از خداوند و اطاعت‌پذیر بودن، پای‌بندی به اوامر و نواهی خداوند است که حضرت زهرا علیها السلام یکی از مصادیق این اوامر و نواهی را پای‌بندی به نماز و سستی نکردن در آن دانسته و در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله تأکید نموده است که از آثار سستی در نماز و سبک شمردن نماز که یکی از مصادیق اطاعت خداوند است، عدم قبولی دعا است.^۳

۴. روزی حلال: چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی شرط اجابت را، روزی حلال بیان فرموده‌اند.^۴

آداب دعا

برای تقرب بیشتر در دعا و رفع نواقص، آدابی در مجامع روایی آمده است که علمای علم اخلاق به فراخور اهمیت، به برخی از آن آداب اشاره کرده‌اند. سه دسته آداب برای دعا ذکر شده است:

۱. آداب پیش از دعا؛

۲. آداب همراه دعا؛

۳. آداب پس از دعا.

علمای علم اخلاق، عموماً در بیان این آداب تقسیم‌بندی مذکور را رعایت نکرده و سلسله‌وار هر کدام از آداب را که از دیدگاه ایشان دارای اهمیت بوده، بیان کرده‌اند. با نگاهی به برخی از این مجموعه‌های اخلاقی، همچون: محجة البیضاء فیض کاشانی، معراج السعادة ملا احمد نراقی و دیگران این آداب به دست می‌آید.

۱. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

۲. حلی، ابن فهد، عدة الداعی، ص ۲۹۲.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۱۴، ح ۷.

۱. آداب پیش از دعا

وضو گرفتن، رو به قبله نشستن، خواندن دو رکعت نماز و انجام دادن کاری خیر یا صدقه دادن، از جمله آداب پیش از دعا است.

۲. آداب همراه دعا

شروع با نام خدا، ستایش و ثنا گفتن، اعتراف به گناه، درود فرستادن بر محمد و خاندان او و توسل جستن به قرآن و پیامبران و اولیا، از آداب آغاز کردن دعا می‌باشد. از دیگر آدابی که باید هنگام دعا کردن رعایت شود، عبارت‌اند از: خاکساری یا خواری، فروتنی و افتادگی، گریستن یا حالت گریه به خود گرفتن، نهانی دعا کردن، با صدای آهسته دعا کردن، بلند کردن دست‌ها، تقاضای زیاد کردن، درخواست کردن از فضل خدا، اظهار کردن نیاز، قاطعیت در دعا، دعای همگانی کردن، زیاد دعا کردن، پافشاری، سه بار گفتن، سجده کردن، خوش‌بین بودن به اجابت، آمین گفتن، گفتن «ماشاء الله»، «لا حول و لا قوة الا بالله» و کشیدن دست‌ها به صورت.

علامه طباطبایی با تصریح به روایتی از سلمان از رسول خدا ﷺ درباره بلند کردن دست‌ها، آن را حالت فقیری می‌داند که خود را در مقابل توانگری، پست (کوچک) می‌داند و دست‌ها را به سوی او بلند کرده و از او درخواستی می‌کند.^۱

۳. آداب پس از دعا

سپاس گفتن بعد از اجابت دعاء.^۲

با نگاهی به سیره و کلام حضرت زهراء عليها السلام در دعا، درمی‌یابیم که آن حضرت به اموری مقید بوده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

از جمله آداب دعا که موجب قبولی و اجابت سریع آن در حق خود انسان است، دعا کردن در حق دیگران است که در مجامع روایی ما آمده است و ائمه عليهم السلام مقید بودند که برای دیگران دعا کنند و آن را از جمله آداب و عوامل استجابت سریع دعا درباره خود و موجب دعای ملائکه برای انسان می‌دانستند. حضرت زهراء عليها السلام نیز در

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۹.

۲. راه روشن (ترجمه محجة البيضاء)، ج ۲، ص ۴۲۸-۴۱۱؛ معراج السعادة، ص ۸۴۲-۸۴۱.

هنگام دعا کردن، برای دیگران دعا می‌کردند؛ چنان‌که در روایت امام حسن علیه السلام از نماز و دعای حضرت به این نکته اشاره فرموده‌اند که حضرت زهرا علیها السلام تا سحر، فقط برای مؤمنان دعا نمودند و در برابر سؤال فرزند که از علت عدم دعا کردن برای خود پرسیدند، تصریح کردند که ابتدا باید همسایه را دعا کرد.^۱ مجلسی هم در روایتی آورده است که حضرت، دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرد و سپس دعا فرمود^۲ و نیز در دعاهای آن حضرت می‌بینیم که ابتدا تسبیح و ثنای خداوند می‌گوید و بر محمد و آل او، ملائکه، شهدا و صالحان درود می‌فرستد.^۳

عدم اجابت دعا

دلایل عدم اجابت دعا، از منظر علمای اخلاق مختلف است. مجلسی، دلیل عدم اجابت دعا را نبودن بر مدار حکمت خداوند، نبود شرایط دعا و مصلحت خدا بر تأخیر دعا می‌داند.^۴ صاحب «قاموس قرآن» دلیل عدم اجابت برخی از دعاها را، آن می‌داند که برخی از آن‌ها به صلاح بنده نیست.^۵ امام خمینی رحمته الله علیه عدم اجابت دعا را نقصان دعاکننده می‌داند^۶ و علامه طباطبایی، دلیل عدم اجابت را دو شرط دعای حقیقی و خواستن نیازی که علت آن معصیت است که به جای دعا باید توبه کند، می‌داند.^۷

آثار دعا

«سید بن طاووس» آثار دعا را دوری از گزند شیطان، استحکام ستون دین، جلوگیری از امور مقلدّر و غیرمقلدّر، دفع بلا، تندرستی و... می‌داند.^۸ برخی از آثار در کتب روایی علما عبارت است از: برآورده شدن حاجت‌ها،^۹ دوری از شیطان،^۱ زنده

۱. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۲۱۷، ح ۴۹.

۳. همان، ج ۸۳، ص ۸۵، ح ۱۱.

۴. عین الحیة، ص ۳۱۵-۳۱۱.

۵. قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۴۵.

۶. خمینی، روح‌الله، شرح دعای سحر، ص ۱۲.

۷. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۳.

۸. ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، ص ۱۰۰-۶۹.

۹. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۶۳، ح ۲۳۲۶.

شدن دل،^۲ انس در وحشت،^۳ نزدیک شدن به خدا،^۴ برگرداندن قضای الهی،^۵ دفع بلا^۶ و شفای هر دردی.^۷

دعاهای حضرت زهرا علیها السلام

از حضرت زهرا علیها السلام دعاهای بسیاری در کتب روایی آمده است. این ادعیه و اذکار که شامل معارف و آموزهای اخلاقی والایی است، در مجامع روایی به طور پراکنده آمده است که به همت برخی از محققان برجسته، در کتاب‌هایی با عناوین «صحیفه الزهراء علیها السلام» و «موسوعة کلمات الزهراء علیها السلام» و اخیراً در کتاب «الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء علیها السلام» گردآوری شده است که موضوعات و مفاهیم کلی آنها بدین قرار است:

الف. در ثنای الهی و درخواست حوایج:

۱. در تسبیح خداوند در روز سوم هر ماه؛
۲. در طلب اخلاق نیکو و کارهای پسندیده؛
۳. در حاجت‌های جامعی برای دنیا و آخرت.

ب. در مدح یا مذمت افراد:

۱. دعا در حق شوهرش علی علیه السلام؛
۲. دعا در حق اسماء بنت عمیس؛
۳. سه مورد در نفرین بر ابی‌بکر و عمر.

ج. در زوال اندوه‌ها و قضای حوایج:

۱. چهار مورد در قضای حوایج؛

۱. خصال، ص ۲۸۵، ح ۳۷.

۲. فردوس، ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۶۲۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۷، ح ۷.

۴. غررالحکم و دررالکلم، ح ۲۰۵۵.

۵. کنز العمال، ج ۲، ص ۶۹، ح ۳۱۶۱.

۶. همان، ص ۱۲۹، ح ۲۶۵۸.

۷. کافی، ج ۲، ص ۴۷۰، ح ۱.

۲. در قضای دین و آسان شدن کارها؛

۳. در رفع شداید؛

۴. در برطرف شدن غم و اندوه؛

۵. در خلاصی از مهالک.

د. در رفع خطرها و بیماری‌ها:

۱. در جلوگیری از خطرها؛

۲. سه مورد در رفع تب.

هـ در امور دیگر:

۱. در طلب نزول سفره آسمانی؛

۲. در پناه بردن به خدا از غضب او و رسولش؛

۳. در پناه بردن به خدا از کمی باور؛

۴. برای بخشیده شدن گناهان؛

۵. در هنگام بیماری برای کسب رحمت الهی؛

۶. در شب وفاتش برای طلب رحمت الهی؛

۷. در هنگام بیماری برای بخشش گناهان شیعیان؛

۸. در طلب مرگ، بعد از آن‌که بر ایشان ظلم واقع شد؛

۹. برای تعجیل در وفات؛

۱۰. در هنگام وفات؛

۱۱. هنگام وفات، برای کسب رحمت الهی.

و. در ایام و ماه‌ها:

۱. در روز شنبه؛

۲. در روز یک‌شنبه؛

۳. در روز دوشنبه؛

۴. در روز سه‌شنبه؛

۵. در روز چهارشنبه؛

۶. در روز پنج‌شنبه؛

۷. در روز جمعه؛

۸. در دیدن هلال ماه رمضان.

ز. در هنگام خوابیدن:

۱. سه مورد در هنگام خوابیدن؛

۲. برای رفع خواب‌های بد؛

۳. در رفع بی‌خوابی.

ح. در مورد نماز:

۱. در تعقیب نماز وتر؛

۲. در تعقیب نماز ظهر؛

۳. در تعقیب نماز عصر؛

۴. در تعقیب نماز مغرب؛

۵. در تعقیب نماز عشا؛

۶. در صبح، معروف به دعای حریق؛

۷. در صبح و شام.

ط. درباره روز قیامت، محشر و بهشت:

۱. ادعیه و اذکار در روز قیامت؛

۲. در روز قیامت برای برطرف شدن عذاب از دوستانش؛

۳. دو مورد در محشر برای شفاعت دوستانش؛

۴. در محشر برای بخشیده شدن گناهان شیعیانش؛

۵. در قیامت بر ضد قاتلان فرزندش و شفاعت دوستانش؛

۶. سه مورد در محشر علیه قاتلان امام حسین علیه السلام؛

۷. در محشر برای شناخته شدن حقش؛

۸. در قیامت برای شفاعت امت پدرش؛

۹. هنگام داخل شدن به بهشت.^۱

۱. برخی از منابعی که می‌توانید در آنها به ادعیه و اذکار حضرت زهرا علیها السلام دست یابید، عبارت‌اند از: بحار الأنوار، مستدرک الوسائل، مصباح‌المتجهج، کامل‌الزیارات، اقبال‌الاعمال، مهج‌الدعوات، محاسن، تهذیب، مجمع

دعا در غروب جمعه

ابن بابویه، مجلسی و دیگران در کتب خود، دعا کردن در غروب جمعه را به عنوان یکی از آدابی که حضرت زهرا علیها السلام مقید به آن بودند، بیان کرده‌اند. آن حضرت تأکید نموده: در روز جمعه، ساعتی است که اگر هر مسلمانی آن لحظه را دریابد و از خداوند خیری بخواهد، حتماً به او می‌دهد و آن زمان، هنگامی است که نصف خورشید، غروب کرده باشد.^۱

نفرین حضرت زهرا علیها السلام

نمونه‌های فراوانی از دعا در قالب نفرین، در بیانات معصومین علیهم السلام وجود دارد که از آن، به عنوان سلاح کارآمد در مقابله با دشمنان و رسوا کردن چهره نفاق بهره می‌جستند، از جمله آن‌ها: نفرین حضرت زهرا در آخرین روزهای زندگی و در بستر بیماری، در دیدار با زنان مهاجران و انصار، در فراق پدر و خشم از پیمان‌شکنی مهاجران و انصار در به فراموشی سپردن عهد خود با پیامبر صلی الله علیه و آله و نادیده‌گرفتن جایگاه علی علیه السلام می‌باشد.^۲

بر اساس بیان مجلسی در بحار الانوار، در روزهای سخت بیماری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، زنان مهاجران و انصار به عیادت آن حضرت زهرا رفته و احوال او را پرسیدند که حضرت پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پدرش فرمودند: «نفرین بر مردم نادانی که تبهکارند و تبهکاری خود را نیکوکاری می‌پندارند.»^۳

عبادت فاطمه

بدون تردید، یکی از جلوه‌های برتر شخصیت حضرت زهرا علیها السلام ارتباط معنوی وی با خداوند است؛ ارتباطی که خواب را از چشم‌های آن حضرت می‌ربود. چنان‌که

البیان، الإحتجاج، قرب الاسناد، امالی صدوق، تفسیر عیاشی، دلائل الامامة، کنز العمال، خرائج، وسائل الشیعة، علل الشرائع، ذخائر العقبی، ینابیع المودة، اختصاص، کفایة الاثر، بشارة المصطفی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تفسیر رازی، اثبات الهداة.

۱. معانی الاخبار، ص ۳۹۹، ح ۵۹؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۷۶۶، ح ۲۱۳۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۶۹، ح ۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸.

۳. همان.

امام حسن علیه السلام عبادت مادر را توصیف می‌کند و می‌فرماید که مادر را در شب جمعه‌ای می‌بیند که از بستر خویش جدا شده تا طلوع خورشید مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار بود و لحظه‌ای از رکوع و سجود دست بر نمی‌داشت.^۱ سه روز پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی از علی رضی الله عنه درباره حضرت زهرا علیها السلام سؤال شد، وی آن حضرت را یاری‌کننده بسیار با عبادتش معرفی می‌کند.^۲ از این رو، مجلسی در روایتی از حسن بصری آورده که وی معتقد است در دنیا عابدتر از فاطمه وجود نداشت. آن حضرت، آن قدر به عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد.^۳

حضرت در مرتبه‌ای از عبادت بود که در شب اول زندگی نو، چنان روحش به ملکوت اعلی پیوند می‌خورد که نور وجودش برای فرشتگان آسمان درخشندگی می‌کند؛ چنان‌که مجلسی روایت می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به این نورافشانی نور وجود فاطمه، برای آسمان و زمین و تفاخر خداوند به ملائکه به واسطه عبادت فاطمه اشاره می‌کند.^۴

فاطمه زهرا علیها السلام محبوب‌ترین چیزها را دعا می‌داند و ارزش آن برایش بیشتر از دنیا و آنچه در آن هست، می‌باشد؛ آن‌جا که در پاسخ پدر که به او فرمود: «آیا دوست داری دعایی را به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نمی‌خواند، مگر آن‌که خواسته‌های او تحقق پذیرد؟» پاسخ داد که این چنین دعایی از دنیا و آنچه در آن است، برای او محبوب‌تر است.^۵

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۷۶، ح ۶۲.

۴. همان، ص ۱۷۲.

۵. مهج الدعوات، ص ۱۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۴۰۴.